

زنان رقا آینده شان را می سازند*

پیش سخن مترجم

جکوبین، Jacobin، نشریه اینترنتی و چاپی آمریکائی واقع در نیویورک، بارویکرد سوسیالیستی مقالات و تحلیل های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تولید می کند. هر ماه سه میلیون نفر از وب سایت جکوبین دیدن می کنند و انتشار هر سه ماهه مجله جکوبین ۷۵۰۰۰ نفر آبونمان دارد. جکوبین اخیرا تلویزین فضای مجازی راه انداخت.

جکوبین تاکنونی مقالاتی درباره روجاوا و کنفدرالیسم دموکراتیک شمال و شرق سوریه، حزب دموکراتیک خلق کردهای ترکیه، HDP، -حزبی سراسری در ترکیه- قلم زده است. جکوبین در متن حاضر فراتر از ترجمه فیلم مستند: "زنان رقا آینده شان را می سازند"، از زبان ایتالیائی به انگلیسی، به سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک و جنبش آزادی زنان نیز اشاره می کند.

متن فیلم



تصویر دختر جوانی از شهر رقا، شمال شرق سوریه، از فیلم مستند "شکوفائی در صحرا"، عکاس بندتا ارجنتیری

چهار سال بعد از آزادی رقا از داعش، زنان نقش رهبری در بازسازی شهر ایفا می کنند. زنان با فعالیت شان نشان میدهند که فمینیسم سوسیالیستی صرفا موضوع برابری کسب سمت های بالانگیز نیست. بلکه، هدف این است که زنان سرنوشت شان را در دست بگیرند. بندتا ارجنتیری، Benedetta Argentieri،

کسی در شمال شرق سوریه فکرنمی کرد، بزودی مردم به رقا برگردند. در ماه اکتبر سال ۲۰۱۷، نیروهای دموکراتیک خلق (SDF) بانبردهای خیابانی، کوچه به کوچه داعش را شکست دادند و اعلام آزادی شهر رقا را.

ولی، آزادی رقا به هزینه سنگینی کسب شد. ۸۰ درصد ساختمان ها ویران شدند (نیروهای خلقی زنان و مردان چندین هزار کشته و تعداد بیشتری زخمی دادند. ائتلاف علیه داعش به رهبری آمریکا به مدت چهار ماه بی وقفه رقا را از آسمان بمباران کردند. هزاران مین تعبیه شده داعش هر انسانی را که جرئت ورود به داخل هر ساختمان سالم باقی مانده را داشت با جانش بازی می کرد.

همه جا آثار جنگ دیده می شود و بسیاری از ساکنان ترجیح می دهند از آنچه در زمان اشغال شهر توسط داعش بر آنها گذشته صحبتی نکنند. معهدا، دربین ویرانی و درد، گل امید تازه ای در رقا شکوفه می زند.

اکنون، رقا دومین شهر بزرگ در شمال و شرق سوریه با ساختار دموکراسی مستقیم مردم اداره می شود. مهمترین تغییرات غیر از سامان دادن آزادی های دموکراتیک پایه ای، نقش سیاست ورزی زنان رقا است.

فیلم مستند "شکوفائی در صحرا" داستان های نقش نوین زنان عرب در جامعه رقا را بازگویی کند، و با چالش سنت های مرسوم تحمیلی بر زنان آینده نوینی را برای شهر به ارمغان می آورد.

مریم ابراهیم پنجاه و شش ساله، به بندتا آرچنتیری یکی از سه زن فیلم بردار در ماه ژانویه سال ۲۰۲۰ از اوفیلم برداری می کردند: "با صداقت بگویم، این مثل رویایی بود که حتی تصورش را نداشتم"، من هرگز تصویری کردم در اداره امور زنان، موقعیتی یا حوزه دیگری از زنان، غیر از زن خانه دار، شرکت کنم.

موقعیت زنان در رقا

مریم به آرامی صحبت کرده و مستقیم به دوربین نگاه می کند. یک احساس عمیق در سراسر مصاحبه رامی توان در او مشاهده کرد، مثل اینکه این یک گفتگوی خصوصی است. یک نفر با ورودش به اطاق صحبت ما قطع می شود. حرف هایش چنان هیجان انگیزند که فوراً مادر ژرفای رویدادها فرومی برد، بدون اینکه مآن صحنه ها را دیده باشیم.

مریم در مدت اشغال رقا توسط داعش واقعا زندگی نداشت، او صرفاً زنده مانده بود، او این دوره را به عنوان سالهای تاریک زندگی اش به خاطر دارد. "زنان پیش از داعش از بردگی خانگی، سنت های کهنه و فرهنگ مردسالاری درد ورنج می کشیدند. مریم یادآوری می شود، وقتی که داعش شهر را اشغال کرد، زنان حتی از ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم شدند. در حقیقت، حتی پیش از داعش، رژیم بعث سوریه زنان را از زندگی اجتماعی محروم کرده بود. اما، در حکومت خلیفه داعش شرایط سرکوب و اختناق آنچنان وخامت یافت که زنان تنها می توانستند با برقع و پوشاندن دست هایشان همراه همسریا فامیل از منزل خارج شوند.

واقعه ای که بیشتر از هر چیزی آزارش داد بعد از حمله داعش به سینجار (شمال عراق) و نسل کشی مردم یزیدی در سال ۲۰۱۴ بود. مریم مصمم شد که مقررات داعش را بشکند، از منزل خارج شد و با بچه هایش برای قدم زدن به کنار رودخانه فرات رفت. او، با چنین کاری، خطر شلاق خوردن را به جان خرید. وقتی که او یک اتومبیل داعش را دید در ایست بازرسی پل بالای رودخانه توقف کرد. ناگهان زنی خودش را از اتومبیل بیرون انداخت و به طرف نرده پل دوید پیش از اینکه خود را به رودخانه بیندازد. مریم شکه شد و از بچه ها خواست ساکت باشند، تا داعشی ها متوجه آنها نشده و دستگیر نکنند. آنها زن دوم داخل اتومبیل را پیش از اینکه او نیز خودکشی کند محکم گرفته بودند. مریم بعدها متوجه شد که آن دوزن از هزاران زن ذریده یزیدی ها توسط داعشی ها بودند که در بازار برده جنسی رقا فروخته شدند.

مریم دریافت با حاکمیت رژیم جنایتکار به اصطلاح دولت اسلامی داعش چاره ای غیر از فرار از رقا در تابستان ۲۰۱۷ نداشت. مریم به نزدیک ترین شهر عین عیسی فرار کرد. او در اینجا به جنبش خودمختاری دموکراتیک شمال و شرق سوریه پیوست. این سیستم دموکراتیک از پائین به بالا تقریباً یک سوم خاک سوریه را اداره می کند. ابتدا، جنبش مبارزان کرد در روجاوا (کردستان غربی بزبان کردی-مراد) در سال ۲۰۱۲ سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک را تاسیس کردند. سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک نه بر پایه یک دولت-ملت، بلکه بر اساس خودمختاری و همیاری محلات یا کمون ها، دفاع از تنوع مذهبی، جامعه بوم زیست و رهائی زنان سامان یافته است.

مریم در عین عیسی وارد فعالیت های جنبشی گردید. زمانی که نیروهای دموکراتیک سوریه شهر رقا را آزاد کردند، او به شهر برگشت و فعالیت اش را ادامه داد. مریم شروع به سازمان دادن زنان عرب کرد، ابتدا در محله خودش و سپس با زایش جنبش زنان در رقا، فعالیت ها به محلات دیگر کشیده شدند.

زمانی که ما با او ملاقات کردیم، سه سال بود که مریم در شورای زنان رقا فعالیت می کرد، ولی، مبارزه او برای آزادی زنان فراتر از بعد شورای زنان را شامل می شد. در فیلم مستند، ما با دقت زندگی اش را از فعالیت در شورای زنان تا منزل را پی می گیریم. ما مریم را در منزل به عنوان مادر ملاقات می کنیم: او با فرزندان اش با برابری و عدالت رفتار می کند. در حالی که غذا می پزد، مریم می گوید: "گرچه آنها بچه هستند، ولی، بچه ها اوضاع اجتماعی و سیاسی را دنبال می کنند". سپس مریم را می بینیم که به تکالیف درسی فرزندان کمک می کند، مریم می گوید: "بچه ها نیز در انجام کار منزل به من کمک می کنند"

بموازات شورای زنان ساختارهای تازه دیگری در خودمدیریتی رقا سامان یافتند تا حضور برابر زنان و مردان در جامعه را تضمین کرده و هم زمان موجد تغییرات گسترده اجتماعی گردد. خودمختاری دموکراتیک شهر رقا، خ د ر، پروژه های چندگانه ای، نظیر برنامه گروه همیاری باهدف کمک به خانواده های مسکین رایپاده می کند. عواطف العیسی مسئول فعالیت زنان درخ د رمی گوید: هدف ما " از بین بردن بیماری های اجتماعی ناشی از فقر است". مشابه مریم، عواطف العیسی مجبور شد بعد از اینکه داعش شهر رقا را اشغال و خلافت اسلامی را اعلام کرد، همه چیز را پشت سرش رها کرده و از شهر فرار کند. اکنون که او به شهر برگشته، تنها نقش کلیدی در حیات خ د رایفا نمی کند، او نیز سرپرست خانواده است.

با این مشاهده که زنان رقا نقش مهم اجتماعی دارند، تاثیر انقلابی در ذهنیت جامعه پدیدار کرده، و پژوهش فمینیسم زنان فراتر از درون شهر رقا تا دهات شنیده می شود. ولی، آزادی زنان تنها در موقعیت اشتغال بالان نیست، بلکه کاربرد این قدرت سازمان دادن زنان دیگر است. مریم می گوید: "از بدور هائی شهر، ما اول خودمان را سازمان دادیم، ولی، امروز ما زنان را در سطح شهر و خارج از شهر رقابهم می آوریم.

بندتا ارجنیتیبری می گوید: این درسی است که ما باید از زنان رقا بیاموزیم. آنها بما نشان دادند که تحت شرایط بسیار نامطلوب چگونه خواست و انجام برابری زنان و حقوق آنها، البته از طریق سازمان یابی زنان فراگستر، تحقق پذیر است.

در طول فیلم مستند، ما زنان را در انجام وظایف روزانه دنبال کردیم. ما دیدیم آنها با مسئولان تماس گرفته و درب خانه هارا یک به یک دق الباب کرده آگاهی بر پتانسیل آنها را نشر می کنند. بموازات کمک به زنان آنها را با افراد دیگر شهر پیوند می دهند.

گروه زنان فیلم برداری رابطه نزدیک و صمیمی با مریم ایجاد کردند. گرچه، فرصت های زنان در صنعت فیلم کم کم بهین می شود، ولی هنوز بیشتر کارهای فنی، برنامه ریزی و همینطور متصدیان دوربین ها در جبهه های جنگ عمدتاً مرد هستند. گروه زنان فیلم برداری اجازه یافتند به بعضی مکان ها وارد شوند که به مردها اجازه نمی داد تا به بیننده فرصت می داد تا نزدیکی بین زنانی را، که از آنها فیلم برداری می شد، تجربه کنند. یکی از اعضای گروه فیلم برداری نظر دادند، " این اعتماد به نفس زیادی به شرکت کنندگان در تهیه فیلم عرضه می کند تا ما رابطه نزدیک با آنها برقرار کنیم و گرنه چنین نمی شد." شکوفائی در صحرا فیلم مستندی است درباره زنان و ساخته زنان.

ساختن فیلم در رقا چالش کلانی برای گروه فیلم برداری، عمدتاً به دلایل امنیتی بود. هنوز داعش در این ناحیه فعال است. داعش با تعداد زیادی از هسته های زیرزمینی، Sleeper cells، و حملات انتحاری، معمولاً خارجی ها را هدف می گیرند. به این دلیل، وقتی در فضای باز فیلم می گیرید، گروه فیلم برداری نباید بیش از نیم ساعت در یک مکان توقف کند. امنیت فیلم برداری با جنبش زنان بود، در حالی که خ د ر جنبه های لجستیکی را تامین کردند.

خودمختاری دموکراتیک شمال و شرق سوریه، از جمله رقا، اغلب بدرستی به عنوان نمونه بی همتا از جامعه خود مدیریتی و انقلاب زنان تجلیل می شود. معهذاً، مهم است که این ها را همچون بیشتر رسانه های غربی رمانتیزه نکرد. مردمی که در فرایند خودمختاری دموکراتیک شمال و شرق سوریه دخالت دارند بیشتر از هر فرد دیگری آگاهند. چقدر - حتی بعد از رهائی رقا از داعش - چیره شدن بر ساختار قدرت سلسه مراتب سیستم سیاسی و اجتماعی سخت است.

شکوفائی در صحرا آنروی دیگر انقلاب روجاوار آشکار می سازد. این انقلاب مبارزات و فعالیت آرام هر روز زنان را در رقا نشان می دهد، آنها هرگز فکر نمی کردند می توانند در صحنه عمومی جامعه دخالتگر شوند. اما اکنون در جامعه جائی برای خود ساخته اند و آینده شهر را شکل می دهند. سازه های از خ د ر که در فیلم برداری شرکت کردند، بدون لاپوشانی و با صراحت، تجربه مشکلات داخلی و اجتماعی شهر رقا و ناحیه را بیان می کنند. آنها می دانند نیاز به تلاش، زمان، کار سخت و کسب تجربه دارند تا سیستم و ذهنیت مردم را متحول کرد - و به نظرمی رسد آنها تسلیم میراث ذهنیت شرایط گذشته شده اند.

دستاورد های رقا بدون تلاش های جنبش آزادی زنان کرد که در روجاوار ریشه کرد، امکان پذیر نبود. با "ابداع دانش زنان Jineology،" (در دهه ۱۹۹۰ دانش زنان در مفرهای پ ک ک در کوه های قندیل در شمال کردستان عراق و با رهنمود عبدالله

اوجالان تاسیس شد. مراد (زنان روجاوا از فمینیسم لیبرال غرب فراتر رفته اند. این ها دارند به هدف رهائی زنان تحقق می بخشند، که در کنفدرالیسم دموکراتیک پیشنهادی رهبر کردها عبدالله اوجالان زندانی ملحوظ شده است. سیستم دودیریتی (یک زن و یک مرد، مراد) کنفدرالیسم دموکراتیک نمایندگی برابری را در همه سطوح عملی می کند. تشکیل نیروهای حفاظت خلقی زنان و مردان و برپائی کمون ها، تعاونی ها و شکل های نوین اجتماعی گری و سازمان دادن مردم را ممکن کرده است. پژوهشگر این اشکال از سازمانیابی در بخشی از همسایه های خاورمیانه، برای تغییر واقعی جامعه، طنین انداخته است.

به این معنا، شکوفائی در صحرا، در پیام جالب فیلم مستند پیشین بندتار جنتیری در سال ۲۰۱۸ "من انقلاب هستم"، بما یادآوری می شود که انقلاب زنان روجاوا تنها زمانی می تواند پیروز شود که زنان عرب از آن استقبال کرده و این انقلاب به خاورمیانه تسری یابد.

مراد عظیمی

*مارگریتا اورسینی فیلم بردار و نویسنده و تحصیل کرده آکادمی فیلم لندن.

بندتا ارجنتیری روزنامه نگار، نویسنده، کارگران و تهیه کننده: فیلم "من انقلاب هستم" از نیروهای حفاظت خلقی زنان خودمختاری دموکراتیک شمال و شرق سوریه



بندتا ارجنتیری